

وعده‌های چرب کاندیدان

کاندیدان ریاست جمهوری، که در دور اول انتخابات بیش از ده نفر بودند، به اکثر ولایات کشور سفر کرده و هریک به سهم خویش، وعده‌های چرب و نرمی را تا آنجای که از توان شان بود، درهم پیچیده و به خورد مردم عامه کشور دادند. هرچند، هیچ‌یک از کاندیدان به ولایت غور سفر نکرده و فرصتی برای دیدار به مردم این ولایت نصیب‌شان نشد، ولی از راه دور با کسانی که از مردم غور ملاقات می‌کردند، وعده‌هایشان همچنان به پله‌های بالا قدم می‌زد.

ازین که هیچ‌یک از کاندیدان ریاست جمهوری در دور اول آرای کامیابی را از آن خود نتوانستند، انتخابات بین دو کاندید پیش‌تاز- عبدالله و اشرف‌غنی- به دور دوم کشانیده شد. در این دور، عبدالله به ولایت غور آمده و با مردم این ولایت دیدار و گفتگو کرد.

آنچه در پیوند به سفر عبدالله در غور قابل توجه و بحث به نظر می‌رسد، وعده‌های امیدوار کننده وی نسبت به فعالیت‌های که می‌خواهد پس از برنده شدنش در غور انجام دهد و مقایسه وعده‌های چرب او با وعده‌های ده سال پیش کرزی است.

عبدالله در جریان سخنرانی خود گفت: «بند برق آبی را در غور می‌سازیم، سرک مرکزی غور- هرات و غور- کابل را اسفالت می‌کنیم، سرک‌های بین مرکز و ولسوالی‌های غور را به گونه اساسی کار می‌کنیم، زندانیان بی‌گناه را آزاد می‌کنم و ...» اشرف‌غنی، کاندید دیگر دور دوم انتخابات ریاست جمهوری، نیز با کسانی که از مردم غور دیدار نموده وعده‌های مشابهی را به مردم داده است.

اما مردم ولایت غور، خوب می‌دانند که کرزی نیز در اولین روزهای دوره کاری اش به عنوان رییس جمهور کشور، به غور آمد و وعده‌های چرب این‌چنانی را به مردم داد، اما همین که رفت دیگر هیچ یادی از غور نکرد و هیچ کدام از گفته‌های او به عمل نپیوست.

بنابراین وعده‌های عبدالله، غنی و وعده‌های ده سال قبل کرزی باهم قیاس کردنی است که آیا این وعده‌ها جنبه عملی خواهد داشت، یا این که سخنان چرب و نرم شان تنها راهی برای جمع کردن آرای مردم و دروغ را سیاست نامیدن است که همچنان بوی از عمل در آنها وجود نداشته باشد و آب را در هاون کوبیدن باشد؟!



باشنده‌گان ولایت غور:

ما امنیت می‌خواهیم

نامنی‌ها و تنش‌های اخیر در ولایت غور که سبب کشته شدن تعدادی از شهروندان این ولایت گردید، خشم مردم را در برابر دولت برانگیخته و انگشت انتقاد آنها را نسبت به دولت بلند کرده است. باشنده‌گان ولایت غور، دولت و مقامات امنیتی این ولایت را مخاطب قرار داده می‌گویند: ما امنیت می‌خواهیم و خاطر نشان ساختند که چرا دولت از افراد و اشخاص بی‌گناهی که هر روز در گوشه و کنار این ولایت توسط مخالفین و یا هم مغرضین کشته و شهید می‌شوند، آگاهی ندارد؟ چرا شورشیان که تعدادشان بسیار اندک است از ساحة غور رانده نمی‌شوند و هیچ اقدامی بر علیه آنها صورت نمی‌گیرد؟

تعدادی از باشنده‌گان فیروزکوه می‌گویند: «دولت تنها می‌داند چگونه در داخل شهر، یک نفر موتور سائیکل دار یا پیاده را چند بار تلاشی کند و ایجاد مزاحمت نماید، اما برای آوردن امنیت، قادر نیست حتی سی کیلو متر از تحت شهر خارج گردد و برای دفاع از جان مردم مظلوم و بی‌گناه این سرزمین کاری انجام دهد.»

طالبان در این اواخر در گوشه و کنار ولایت غور تعداد زیادی از باشنده‌گان این ولایت را به شهادت رسانیده و مردم را به عنوان حامیان یا همکاران دولت و حکومت تهدید می‌کنند، می‌ربایند و به قتل می‌رسانند. باشنده‌گان غور نسبت به وضعیت فعلی امنیتی در غور ابراز نگرانی جدی نموده و می‌گویند در سال جاری، فعالیت‌ها و عملیات طالبان، چند برابر بیشتر گردیده

و یکی از چالش‌های جدی و نگران کننده خوانده شده است که نسبت بی توجهی و عدم کنترل دولت در تمام مناطق غور، مخالفان دولت و کسانی که به خاطر پیشبرد اهداف و غرض‌های شخصی خویش خود را طالب می‌نامند، با جرأت کامل بر مسافین، معلمین، افراد محل و دیگر باشنده‌گان این ولایت تاخته و آنها را بی‌رحمانه قربانی می‌کنند.

این در حالی است که حدود یک ماه پیش جنرال احمدفهمیم قایم جدیداً به حیث قوماندان امنیه این ولایت تقرر حاصل کرده و به این پست مهم امنیتی معرفی گردید.

احمدفهمیم قایم، قوماندان امنیه جدید غور به مردم وعده داد که عملیات خویش را بالای کسانی که تحت هر عنوانی نظم و امنیت عامه را در غور مختل می‌سازند آغاز خواهد کرد و برای آوردن نظم و امنیت سرتاسری در این ولایت تا حد توان خود تلاش‌های خسته‌گی ناپذیر کرده و تدابیر شدید امنیتی را روی دست خواهد گرفت. با استناد به وعده‌های آقای قایم نسبت به تأمین امنیت، اخیراً باشنده‌گان این ولایت تا حدی به بازگشت امنیت نسبی و نظم عمومی در جغرافیای غور امیدوار شده و منتظر پیوستن قول به عمل می‌باشند.

مردم ولایت غور که در طول بیش از ده سال حکومت جمهوری اسلامی افغانستان، از جمله مطیع‌ترین و فرمان بردارترین مردم این کشور به حساب می‌آیند، از وضعیت اسفبار و نگران کننده کنونی سخت نگران بوده و این بی بندوباری را که در برابر فرمان پذیری آنها به وجود آمده، توهین به حیثیت و شخصیت مردم این ولایت تلقی می‌کنند.

فقر و بیکاری در غور بیداد می‌کند

عبدالصیر یزدان‌پناه

فقر و بیکاری همان‌گونه که عموم باشنده‌گان این کشور را تهدید می‌کند، بیش‌تر از همه باشنده‌گان ولایت غور را که در یک ساحة جغرافیای محدود و عقب‌نگاه‌داشته به سر می‌برند، زیر فشار قرار داده است. ولایت غور، که از یک‌سو ظرفیت کم‌تری برای جذب تحصیل کرده گان و گروه کارگر، دارد و از سوی دیگر ولایتی است که از هیچ سمتی به کشورهای همسایه هم‌مرز نمی‌باشد تا از راه صادرات و واردات، فایده و سودی نصیب این مردم شود، باشنده‌گان این ولایت بیشتر از همه، با مشکل تنگ‌دستی و فقر و بیکاری دست و پنجه نرم می‌کنند. ادامه صفحه ۲ ...



... ادامه بیکاری در غور:

گروه تحصیل کرده که با مصارف گزاف در ولایت دیگر کشور تحصیلات خویش را با دشواری‌ها و مشکلات فراوان به پایان می‌رسانند، از موسسات تحصیلات عالی و نیمه عالی داخل و خارج کشور سالانه به این ولایت سرازیر می‌شوند، نه در ادارات دولتی ظرفیتی برای جذب و استخدام آنها وجود دارد و نه شرکت‌های خصوصی آنچنانی در این ولایت موجود می‌باشد که بتواند زمینه کار را برای تعدادی از افراد تحصیل کرده فراهم کند.

هرچند ولایت غور دارای معادن و ذخایری چون: زغال‌سنگ، نمک و ... می‌باشد، اما تا هنوز دولت و منابع ذیربط هیچ اقدامی در زمینه استخراج و کار عملی آن نکرده اند تا هم زمینه کارایی ایجاد گردد و هم منبعی در آمد و استفاده مهمی برای باشندگان و نیروی کارگر این ولایت باشد. کار ساخت و اسفالت جاده مرکزی غور- هرات و غور- کابل که شاید یک منبع درآمد و همچنان کاهش دهنده مصارف گزاف ترانسپورتی برای مردم غور حساب می‌شد، در طول ۱۲ سال حکومت جمهوری اسلامی افغانستان، بنا بر مخالفت‌های ذات‌البینی و حرکات حساب‌نشده بعضی از افراد، سر و سامان نگرفت و همچنان بی‌سرنوشت باقی ماند.

در حال حاضر کسانی در شهر فیروزکوه وجود دارند که نه سرپناهی برای گذراندن شب و روز دارند و نه لقمه نانی برای خوردن که با مزد کار روزانه - در صورت میسر بودن - مزد اندکی گرفته و از آن طریق به سختی امرار حیات می‌کنند.

عبدالقیوم یکی از باشندگان فیروزکوه می‌گوید: "تعداد هشت سر نفوس دارم، کار میسر نمی‌شود تا بتوانم خرج عیال و خانواده ام را فراهم کنم، اگر یک روز کار پیدا شود ده روز دیگر نمی‌شود زیرا افراد بیکار در بازار زیاد اند که دنبال کار می‌گردند. ما از دولت می‌خواهیم تا برای ماین کمک کند و از این حالت ما را نجات دهد."

پری بنت عبدالقادر یک تن دیگر از باشندگان فیروزکوه می‌گوید: "مشکلات بیشتر ازین نمی‌شود که گرسنه، عریان، بیکار و فقیر هستیم. شوهر ضعیفی دارم که توان کار را به درستی ندارد، خودم خانه های همسایه هارا تمیز می‌کنم، لباس شویی می‌کنم و فرش‌های آنها را شستشو می‌کنم تا لقمه نانی برای اطالمم فراهم کنم. از دولت می‌خواهیم تا برای مایان زمینه کارایی را از قبیل: خیاطی، قالین بافی و ... مهیا کند تا از آن طریق بتوانیم نفقه زندگی خود را به دست بیاریم."

در همین زمینه گفتگوی با دکتر گل احمد عثمانی رییس کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین داشتیم و نظر وی را در پیوند به همین موضوع جویا شدم؛ وی گفت: "در جریان سال ۱۳۹۳ دو برنامه عمده در بخش انکشاف ملی مهارت ها که به خاطر ایجاد کارایی است، پروژه آنرا طی مراحل نموده ایم که تعداد ۳۵۰ خانم تحت آموزش قرار دارند و در بخش‌های مختلف مهارتی مورد حمایت وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین و موسسات همکار قرار می‌گیرند. تعداد ۲۰۰ تن اطفال را شامل پرورشگاه ساخته ایم که تمام اعاشه و اباته شان فراهم می‌گردد و آنها با روحیه آرام مشغول آموزش و پرورش در مکاتب هستند، تعداد ۶۰ تن از اطفالی که زیر سنین ۷ سال هستند در کودکانستان شامل گردیدند تا آموزش های قبل از مکتب را فرا گیرند. همچنان حدود ۱۵۰۰ نفر را که از بی‌کاری رنج می‌بردند در ادارات دولتی و غیر دولتی معرفی کرده ایم."

حکومت از لحاظ معنا و اصطلاح

❖ علاوالدین سکندری

حکومت از واژه حکم بر گرفته شده است و حکم در زبان عربی به معنای منع و جلوگیری است. در مفهوم اصطلاحی آن، حکومت به روند اعمال سیاست ها و تصمیمات از سوی مقامات رسمی در دستگاه سیاسی گفته می‌شود. گاهی مراد از آن به مجموعه مقامات رسمی مسوول گفته می‌شود که تصمیمات سیاسی آن می‌بایست اجرایی شود و نمی‌توان از آن سرپیچی و یا تمرد نمود. قرآن برای بیان مفهوم اخیر که ارتباط تنگاتنگی به ناحیه علوم سیاسی دارد از کلماتی چون حکم و ملک و خلف و ولی استفاده و بهره برده است.

از جنبه عمل می‌توان به مصادیق جزئی‌تر اشاره کرد که از حساسیت خاصی برخوردار است. به این معنا که بی‌تحقق آن شرایط می‌توان گفت که شخص از مشروعیت دینی و تایید الهی در حکومت و حاکمیت برخوردار نمی‌باشد؛ از جمله می‌توان به گونه مثال به مساله اجتناب از ظلم و ستم اشاره کرد.

اجتناب از ظلم و ستم؛

بی‌گمان اجتناب و دوری از ظلم و ستم چیزی جز تاکید بر عدالت و احسان نیست؛ زیرا اصولا حکومت ظالم و ستمکار و حاکمان ستمگر در مفهوم قرآنی نه تنها شایسته حکومت نیستند بلکه لازم و ضروری است که از شر آنان رهایی یافته و با مبارزه با آنان دولت و حکومت عادل و صالح برپا نمایند. از این رو وقتی از شرط اجتناب از ظلم و ستم سخن گفته می‌شود به معنای تاکید بر امری است که از آن به عدالت یاد شده است.

به نظر می‌رسد که مضمیمی چون عدالت و اجتناب از ظلم و ستم متناظر به یک دیگر هستند؛ زیرا عدالت به معنای عدم میل و گرایش به انحراف و یا قرار گرفتن هر چیز در جای خود است. تجاوز و افراط و تفریط از حالت طبیعی عدالت را از میان می‌برد. از سوی دیگری ظلم و ستم نیز تجاوز و تعدی و میل و گرایش به سوی افراط و تفریط است. بنابراین هرگونه رفتاری که خروج از حالت طبیعی و گرایش به تجاوز و افراط و تفریط داشته باشد می‌تواند عاملی مهم برای از دست رفتن شرط عدالت باشد.



❖ **امیرداد پارسا، محصل انستیتوت زراعت غور:**

آگاهی در مورد مطالعه تاریخ

دوستان عزیز من و شما در باره تاریخ اسلام و حیات اخلاقی و اجتماعی ابرمردان مسلمان باید آگاهی داشته باشیم، زیرا مطالعه تاریخ انسان را از خوبی‌ها و ثمرات آن و از بدی‌ها و پیامدهای ناگوار آن آگاه می‌سازد. خواندن زندگی‌نامه ابر شخصیت‌های تاریخ، روحیه آن‌ها را در کالبد خواننده می‌دهد، دل و دماغش را از عطر حیات عنبرین‌شان معطر می‌سازد. خداوند (ج) تاثیر مطالعه تاریخ را مثبت ارزیابی نموده می‌فرماید: «هر آینه در قصه‌های انبیا، پند و عبرت است برای صاحبان عقل.» پس کوشش نماییم زمینه مطالعه را برای فرزندان و جوانان آماده سازیم تا جوانان از زشت و زیبایی این کهن‌سرای پر مد و جزر آگاهی حاصل کنند و بدانند که خوبان گذشته از پیامبران گرفته تا صدقین، شهدا و صالحین همه به اثر فعالیت‌های زیبای‌شان به مراتب بلند عزت و کامیابی رسیده اند و بدان تاریخ از ابلیس گرفته تا نمود، فرعون و غیره همه به اثر کارهای ناروای شان به ناکامی های ابدی گرفتار شدند.

پس جوانان عزیز بدانند که ما مسلمانان‌ها به واسطه ابوجهل، ابولهب و غیره درج تاریخ نگردیده ایم بلکه به واسطه رسول‌الله (ص) و ابوبکر (رض) و دیگر پرچم‌داران اسلام تاریخ آفریده ایم. ما امتی هستیم که به واسطه مال و ثروت حکم روای نکرده ایم بلکه به واسطه قرآن مجید این کتاب کامل و شامل خداوند (ج) بر دنیا حکومت کرده ایم؛ ما امتی هستیم که برای مردم رسالات (لات، منات، عزی) را نرسانیده‌ایم بلکه برای آنها رسالت و دساتیر قرآن و فرامین پروردگار جهان را رسانیده‌ایم. ما امتی می‌باشیم که به واسطه حسن بصری، ابوحنیفه، مالک و شافع رحمت‌الله تفکر و اندیشه را تا اوج کمال رسانیده‌ایم.

درست است که درین عصر اشتباهات و جنایاتی از طرف برخی از اشخاص سر می‌زند که من و شما آنرا به شدت رد می‌کنیم، اما فداکاری‌های که بزرگان اسلام به یادگار گذاشته اند درس عبرتی برای ما باشد که متأسفانه من و شما جوانان امروز از فداکاری‌های بزرگان خود استفاده درست نکرده ایم و رو به عقب می‌رویم اما حالا که عقب ماند ایم، متفرق و پراکنده شده ایم، فقیر و بیچاره هستیم، این گناه دین ما، تاریخ ما و بزرگان ما نیست، این گناه خود ما و گناه جهانداران بشریت است که به اثر توطیه‌ها و تخریب‌ها، ما را به این ذلت و خواری رسانیده اند.

اسلام چه نقضی دارد که تخریب می‌شود و مسلمان چه جرمی دارد که سر کوب می‌شود؟ اسلام آمده تا بشریت را همان گونه که قاید بزرگ اسلام (ربعی بن عامر) برای پادشاه ایران رستم گفت: از جور ادیان به عدل اسلام و از تنگنای دنیا به گسترده‌گی آخرت و از پرستش عباد به پرستش رب عباد بکشاند آیا این نقص است؟ مسلمان واقعی و جوان واقعی جز آنکه این رسالت را با اعمال صالحه و فعالیت‌های خداپرستانه‌اش تحقق بخشیده دیگر چیزی نخواسته و نمی‌خواهد. آیا این جرم است؟ پس باید جوانان و فرزندان گوش زد شوند که راه نیکان را در پیش گیرند نه راه مجرمان، عیاشان و رقاصان تاریخ را! تا باشد به توفیق خداوند (ج) رسم و روش نیکان را از خود به یاد بگذاریم. پس جوانان عزیز! ما و شما باید راه نیکان و سربازان رسول‌الله (ص) را به یادگار بمانیم که نشود خدا ناخواسته به حیث نقطه سیاه و اشتباه درج تاریخ شویم؛ مولانا می‌فرماید:

نیکوان رفتند سنت‌ها بماند واز لئیمان ظلم و بدعت‌ها بماند

هر که او بنهاد ناخوش سنتی سوی او نفرین رود هر ساعتی



قواعد درست نویسی

قوس ناخونک یا قوس کوچک: (« »)

این نشانه، هلالین یا نشانه نقل قول مستقیم نیز گفته می شود و در موارد زیر، به کار برده می شود:

الف - برای نقل مستقیم از قول دیگران؛ مثلاً: خداوند(ج) در قرانکریم می فرماید: «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون». و یا: دانشمندی گفته است: «نه هر که به قامت مهتر به قیمت بهتر.»

سعدی می گوید: «همه کس را عقل خوب به کمال نماید و فرزند خود به جمال.»

در کتاب هفت قلزم امین احمد رازی چنین آمده است: «بهمن فرمود تا دانشمندان، زبان فارسی فصیح وضع کردند و آنرا دری نام نهادند.»

ب - برای نشان دادن نامهای خاص اشخاص و اشیاء استعمال می شود. مثلاً: بسیار شهرها را دیده ام؛ اما «کابل» شهر بزرگی است. یا: «بینوایان» را چندین بار خوانده ام.

ج - اگر کلمه در غیر معانی حقیقی و به معنای مجازی به کار می رود، آن را نیز میان این گونه قوسها قرار می دهند؛ مثلاً: در مورد کلمه مادر به جای وطن: فرزندان حقیقی جامعه در راه حفظ نام و نشان «مادر وطن» از جان و مال خود می گذرند.

یاد آوری: هرگاه مطلب نقل قول شده دراز و شامل بند (پاراگراف) باشد، علامت نقل قول در آغاز هر بند، نه و فقط در پایان بند آخر قرار می گیرد، و هرگاه نقل قولی در ضمن نقل قول دیگر بیاید آن را در میان علامت نقل قول، طاقه یا یگانه () قرار می دهیم درحالی که اصل نقل قول بانسانه قوسهای ناخنک « » مشخص می شود؛ مانند: وی گفت: «نشینیده یی که پیغمبر اکرم (ص) فرموده است (أطلب العلم ولو کان بالصبین)»

همچنان برای نشان دادن برخی نامهای خاص، کلمه ها و اصطلاحات تازه و جعلی یا عامیانه خارجی یا کلمه هایی که مورد تاکید قرار می گیرند، نوشته می شود؛ به گونه مثال: کلمه «فرهنگ» فارسی دری را معادل واژه «کلتور» فرانسوی گرفته اند.

همچنان در هنگام ذکر عنوان مقاله ها و رساله ها و اشعار و روزنامه ها و آثار هنری و فصل ها و بخش های یک کتاب در یک نوشته میان قوس ناخنک نوشته می شود: باب اول بوستان سعدی «در عدل و تدبیر و رای» است...

یا: من این مطلب را در سرمقاله نشریه «آرمان ملی» خوانده ام.

... | دامه تف تف نسوار:

«تنباکو گیاهی است که نخستین بار در امریکا ظاهر گردید و پس از آن کاشت آن در اروپا و دیگر کشورهای جهان رایج شد. بلندی درخت آن یک متر تا سه متر می رسد و برگهای بزرگی دارد، و از برگهای خشک شده آن استفاده می شود. ... اثر تنباکو صرف در به میان آوردن بیماری های قلب و سرطانها نبوده بلکه تمام سیستم های بدن را متأثر می سازد و موجب امراض ذیل می شود:

امراض دهن، امراض زبان، امراض لوزه ها، امراض سیستم هاضمه، امراض سیستم تنفسی، امراض سیستم دوران خون، امراض سیستم عصبی، امراض سیستم بولی، امراض سیستم تناسلی «(منبع این بند: وبسایت جام غور)

یکی از تحقیقاتی که در اختیار قانونگذاران اتحادیه اروپا قرار گرفته است، نشان می دهد که نسوار نه تنها سرطانزا است، بلکه باعث افزایش فشار خون و احتمال بروز حمله قلبی نیز می شود.

آنچه در پیوند به این مطلب گفتنی است این است که تعدادی از افراد بی خبر از عواقب و پیامدهای خطرناک آن، تحت بهانه های گوناگون؛ چون: دفع سردی، از بین بردن باد و قلنج شکم، دفع تشویش و ... استفاده می کنند و با مصرف کردن پول های خویش مشکلات یاد شده را می خردند که پس از مدتی دامنگیرشان می شود و توان ترک و رها کردن را از آنها می گیرد.

ولی تأسف و درد این جاست که برخی از جوانان به خاطر این که قیافه بگیرند و فخر کنند، به کشیدن نسوار رو می آورند و در دام آن گرفتار می شوند. یکی از جوانان که نسوار می کشید، پرسیدم چرا نسوار استفاده می کنی؟ گفت: «همین که همراه مردم در مجالس نشسته باشی، قطی نسوار را از جیبت بکشی، سر زانو یا کف دستت بگذاری و با انگشت خویش در کنار آن بزنی و یک دهن از آنرا برداری و زیر لب بگذاری، چه قیافه و کیفی دارد! من نسوار را به خاطر هیچ مشکل یا غرض دیگری استفاده نمی کنم، بلکه خاص به خاطر غمزه و خیال استعمال می کنم.»

در حقیقت آنچه مسلم و ثابت است و همه می دانند، خلاف این است که به توان با نسوار غمزه و خیال کرد و قیافه گرفت. چون تنها چیزی که نسوار برای استفاده کننده خود به ارمغان می آورد، یقیناً بوی بد دهن، زردی و تخریب دندانها، ایجاد مشکلات تنفسی، ناراحتی های قلبی و عصبی می باشد و همچنان سبب ایجاد آلودگی و بی بند و باری به خاطر تف کردن و انداختن نسوار در تفدانی و گوشه های خانه - توسط بعضی افراد البته - شده و نیز سبب ناراحتی هم نشینان و همراهان می گردد؛ این دو بیت به طور نمونه آورده می شود:

یک شعر نوشته شده که شدم مجبور و ناچار، از تف تف نسوار زیر گلیم و اطراف خانه شده مردار، از تف تف نسوار

از روزی که نسوار به مردم یک عمل شد، هر گوشه چتل شد از مردم دهات و شهر و کوچی مالدار، از تف تف نسوار

آیا واقعاً می ارزد که انسان به خاطر خیال بافی، برداشت های کورکورانه و حساب نشده، تمام این بیماری ها و ناراحتی ها را خریداری کرده و بر ضرر اعضای وجود خود استفاده کند؟

آیا درست است که تمام اعضای بدن انسان که تک تک آنها نعمت های باارزش الهی هستند و خداوند به حفظ آنها تاکید و توصیه کرده، به این سادگی آنها را ناقص و نابود کرد؟

بنابراین تمام مردم - به ویژه قشر با سواد جامعه - لازم است تا خود و بقیه افراد جامعه را از اعتیاد و گرفتار شدن در چنگال نسوار و انواع مواد مخدر، نجات داده و کسانی را که می خواهند به این گونه مواد علاقه نشان دهند، آنها را به سمت محفوظ و امن هدایت نمایند و نگذارند که سرمایه مالی، جانی و معنوی خویش را بی خیرانه نابود کنند.



طنز مدیریتی

زندگی پس از مرگ:

رییس: شما به زندگی پس از مرگ اعتقاد دارید؟ کارمند: بلی!

رییس: خوب است. چون وقتی صبح امروز برای شرکت در مراسم تشییع جنازه پدر بزرگتان اداره را ترک کردید، او به اینجا آمد و گفت که می خواهد شما را ببیند.

کلمات مهم: ترک محل کار، حضور در محل کار، ساعات کاری، رخصتی، حضور و غیاب، صداقت در سازمان.

رخصته اجباری:

دو مدیر در رابطه با چگونگی مقابله با مشکلات کاری خود با هم صحبت می کردند.

اولی: من روش جدیدی را از سال قبل شروع کرده ام و اصرار دارم هر کدام از کارمندانم هر سه ماه یکبار دست کم یک هفته به رخصتی اجباری برود.

دومی: دلیل این کار چیست؟

اولی: برای اینکه به این ترتیب تشخیص بدهم بدون وجود کدام یک از آنان می توان کارها را سر و سامان داد!

کلمات مهم: مدیر، کارمند، رخصتی، نیروی بشری اضافی، تعدیل نیرو، اخراج.

انتخابات از دیدگاه اسلام

❖ **ارسالی: ریاست ارشاد، حج و اوقاف غور**

رای یک امانت الهی بوده به اهل آن سپرده شود!

مشارکت و حضور سیاسی مردم در سرنوشت سیاسی آینده شان در واقع بنابر حکم صریح خداوند (ج) اطاعت از دساتیر قرآن و سنت نبوی (ص) بوده و در آیه ۵۸ سوره نساء چنین می فرماید: «ترجمه: بی گمان خداوند به شما دستور می دهد که امانت‌ها را به صاحبان امانت برسانید و هنگامی که در میان مردم به داوری نشستید اینکه دادگرانه داوری کنید. و خداوند شما را بهترین اندرز و پند می دهد. یقیناً خداوند دائماً شنوای بینا بوده و می باشد.»

در کلام پاک خداوند چندین جای در آیه دهم و هجدهم سوره فتح و آیه ۲۸۳ سوره بقره امر فرموده است تا مردم با حمایت از انسان‌های امانت‌دار که شایستگی بیعت را داشته باشند امانت حکومت را با اهلش بسپارند، اگرچه اسلام بیعت به زمام دار را تایید و رد آن را ۱۴ قرن پیشتر به امت سپرده است که باید زمام‌دارشان را از بین بهترین‌ها انتخاب نمایند. اما در افغانستان موضوع انتخابات که جلوه اصلی قدرت دینی و ملی مسلمانان و مشارکت در امور سیاسی می باشد، سابقه کمتر از یک قرن دارد.

در تاریخ سیاسی افغانستان حدود پانزده بار حضور مردم در عرصه‌های سیاسی چه به صورت انتخابات مستقیم یا غیر مستقیم تمثیل شده است، در حالی که بعضی کشورهای مترقی دنیا بیش از یک قرن است که دموکراسی و انتخابات را تجربه کرده اند و در جهت قانون‌مداری و مردم سالاری گام‌های بزرگی برداشته اند که امروز دارای حکومت‌های مسوول و پاسخ‌گو و مردمی هستند. اما متأسفانه کشور ما افغانستان خاطرات تلخی از حکومت‌های تحمیلی، کودتای و ارثی، داشته و مردم ما انتخابات و نظام های مردمی و مزایای فراوان آنرا بسیار کم می‌دانند و اگر احیاناً در گذشته‌ها چیزی به نام انتخابات هم در اوراق معاصر افغانستان ثبت گردیده است نتیجه مثبت نداشته و اکثراً حرکات تشریفاتی داشته که مشکلات مردم رنج دیده افغانستان را حل نتوانستند.

گفته می‌توانیم که بعد از حضور جامعه جهانی در سال ۲۰۰۱ میلادی نسبت انتخابات در افغانستان تا حدی به مفهوم واقعی خود نزدیک گردید. اگر تاریخ افغانستان به اثر حوادث ناخواسته و غیر مترقبه گرفتار یک عقب‌گرد تحمیلی نگردد امید واری‌های زیاد وجود دارد که در آینده نقش مردم در تعیین زعامت و قدرت سیاسی برجسته گردیده و ملت مسلمان افغانستان ثمره رای خویش را به دست لمس خواهند نمود.

مردم مسلمان و متدین ولایت غور ازینکه دور اول انتخابات ۱۶ حمل سال ۱۳۹۳، نتیجه آن منفی اعلان گردید و انتخابات در بین دو کاندید ریاست جمهوری ممتاز دور دوم در ۲۴ جوزای سال ۱۳۹۳ برگزار می گردد این بار از مرحله اول بیشتر به پای صندوق‌های رای خواهند رفت و زعیم ملی آینده کشور افغانستان را تعیین نموده و رای خود را به شخص مورد نظر خود ادا نمایند.

به این عمل نیک از یک طرف اوامر خداوند (ج) طبق سنت حضرت پیامبر (ص) به جا آورده و از طرف دیگر در تعیین سرنوشت زعیم ملی افغانستان اثرگذار است و در اخیر سعادت و وحدت ملی افغانستان را از بارگاه خداوند بی‌نیاز آرزو می‌نماییم.

به غور اما نشد

❖ **محمدنصیر توکلی**

آنچه خدمت در وطن می‌شد، به غور اما نشد
در همه دشت و دمن می‌شد، به غور اما نشد
گر درختی از صمیم قلب در فصل بهار
در تمام این چمن می‌شد، به غور اما نشد
بند برق و پلچک و راه و سرک این سالها
گر به هلمند و شرن می‌شد، به غور اما نشد
فکر دانشگاه و تحصیلات عالی هر کجا
گر به حق مرد و زن می‌شد، به غور اما نشد
پول امداد و تعاون چون فراوان می‌رسید
گر به هر جیب دهن می‌شد، به غور اما نشد
این ولایت سمت چشم کور دولت بوده است
گر نگاهش تا یمن می‌شد، به غور اما نشد
مردگان بی کفن خوانند مارا رهبران
بهر ما گر یک کفن می‌شد، به غور اما نشد
ازبک و تاجک و پشتون برده سهم خویشان
سهم ما گر یک چین می‌شد، به غور اما نشد
حاصل تریاک و محصول مواد قندهار
گر به صدها سیر و من می‌شد، به غور اما نشد
ای توکلی خموش از این همه گفتن چه سود؟
کاز تو خرسند انجمن می‌شد، به غور اما نشد



نُفُفُ نَسَوار

❖ **عبدالکبیر صدیقی**

از آنجای که مبارزه با مواد مخدر و اعتیاد، آگاهی دهی و نشر تبلیغات جهت ترک اعتیاد، یکی از وظایف نشریه را تشکیل می‌دهد خواستیم در این مقاله در مورد «نسوار» که یکی از انواع مواد مخدر است، چیزی نوشته و به اطلاع خواننده‌گان نشریه برسانیم.
ناس یا نسوار نام یک ماده گیاهی اعتیادآور و سبز رنگ است که از برگ تنباکو گرفته می‌شود و متأسفانه، تعدادی از مردم آنرا به بهانه‌های مختلف استفاده می‌کنند.

ادامه صفحه ۳ ...